حادثه‌ها

نجات کوه‌نوردان از خطر مرگ

● سرپرست پایگاه هلال‌احمر مراغه گفت: چهار کوه‌نورد این شهرستان توسط تیم امدادونجات روستایی از خطر مرگ حتمی نجات یافتند. محمدباقر غفاری توضیح داد: این نخستین عملیات موفق تیم امداد و نجات روستایی در ارتفاعات سهند بود که جان این کوه‌نوردان را نجات دادند. وی اظهار کرد: این عملیات در پی تماس تلفنی یک شهروند مراغه‌ای در شامگاه جمعه آغاز شد و تیم امداد و نجات بامداد شنبه کار خود را با رسیدن به محل حادثه آغاز کرد. غفاری ادامه داد: این چهار نفر در کوه سهند گرفتار برف و کولاک شده بودند که یکی از آنها مصدوم شده بود و تیم امداد روستایی همراه با یک دستگاه تراکتور دودیفرانسیل با قابلیت برف‌روبی در شش ساعت عملیات نجات را انجام دادند. وی با اشاره به اینکه این عملیات در ۳۰ دقیقه بامداد آغاز و تا ۶:۳۰ صبح ادامه داشت، گفت: کوه‌نوردان به منظور حفظ جان خود قبل از آغاز سفر باید وضعیت جوی را از سازمان هواشناسی استعلام و وضعیت و اطلاعات سفر خود را در اختیار هیأت ورزشی، اداره ورزش و جوانان و خانواده خود قرار دهند.

نجات مادر باردار از میان برف و کولاک

● مادر بارداری که در میان برف و کولاک شدید گرفتار شده بود، با تلاش مأموران انتظامی بخش خاروانای شهرستان ورزقان نجات یافت. سرهنگ «توحید فارسی»، فرمانده انتظامی شهرستان ورزقان، اظهار کرد: حوالی ساعت سه بامداد مادر بارداری ساکن روستای «نچق» از روستاهای بخش «خاروانا» که حین انتقال به بیمارستان در برف و کولاک شدید گرفتار شده بود، با حضور عوامل انتظامی به مرکز درمانی انتقال و از مرگ حتمی نجات یافت.

وی تصریح کرد: امکانات خودرویی در روستا، امکان انتقال مادر باردار به مراکز درمانی را نمی‌داد که مأموران انتظامی بخش خاروانا توانستند این مادر را با امکانات مستقر در یگان، از برف و کولاک شدید نجات دهند. فرمانده انتظامی شهرستان ورزقان افزود: طبق اعلام کادر پزشکی، خوشبختانه وضعیت عمومی این مادر ۴۰ساله و نوزادش مطلوب است.

جنایت، فرجام خیانت زن جوان

شرق: دو اعدام، ۱۵ سال حبس و شلاق، مجازات مردان جوان و زنی است که با همدستی یکدیگر شوهر زن را به قتل رساندند و جسدش را در بیابانی رها کردند. به گزارش خبرنگار ما، دو مرد جوان همراه دو پسر نوجوان و همسر مقتول وارد خانه شده و بعد از اینکه مرد جوان را با تکه‌لباسی خفه کردند، جسدش را به بیرون از خانه منتقل کرده و مدعی شدند از سرنوشت این مرد چیزی نمی‌دانند. آذرماه دو سال قبل زنی به نام زیبا به مأموران پلیس مراجعه کرد و مدعی شد شوهرش گم شده است. او گفت: «شوهرم دو روز است که از خانه بیرون رفته و نیامده است». زمانی که مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند، جسدی را اطراف تهران پیدا کردند که مشخصاتش با فرد گمشده هم‌خوانی داشت. وقتی هویت جسد تأیید شد، زیبا همسر مقتول مورد بازجویی قرار گرفت؛ او گفت: من نمی‌دانم چه اتفاقی برای شوهرم افتاده است. او دو روز قبل از خانه خارج شد و دیگر نیامد. ادعای این زن درباره خروج شوهرش از خانه در حالی بود که کارشناسان بررسی صحنه جرم اعلام کردند مقتول جای دیگری به قتل رسیده و جسدش را به آن منطقه آورده‌اند. از سوی دیگر، اضطراب و ترس شدید دختر ۱۰ساله مقتول به مأموران این آگاهی را داد که او چیزی می‌داند و مسئله‌ای باعث ترسش شده است. بنابراین همسر مقتول را یک بار دیگر بازداشت کردند و در بازجویی‌ها مشخص شد این زن با همدستی چهار پسر جوان مرتکب قتل شده و فرزندش هم شاهد این صحنه‌ها بوده است. زن جوان گفت: مدتی قبل با مردی آشنا شدم که جوان خوبی بود. به خاطر اختلافاتی که با شوهرم داشتم، به این مرد علاقه‌مند شدم. من نمی‌توانستم با او ازدواج کنم چون شوهرم حاضر نبود طلاقم دهد؛ به همین خاطر سیاوش، جوانی که با او رابطه داشتم، تصمیم گرفت شوهرم را به خاطر کارهایی که با من کرده تنبیه کند تا او از من جدا شود. شب حادثه سیاوش و برادرش سهراب به همراه دو دوستشان مسعود و مهدی، به خانه ما آمدند. شوهرم در خانه خوابیده بود و نفهمید فردی

غریبه وارد خانه شده است؛ به همین دلیل آنها خیلی راحت با تکه‌لباسی که گوشه خانه بود، شوهرم را خفه کردند. هر چهار نفر در قتل نقش داشتند و قسمت‌هایی از لباس را که دور گردن او بود، کشیدند تا شوهرم خفه شود. بعد هم جسدش را از خانه بیرون بردند. با توجه به اعترافات این زن بود که مأموران سیاوش و سهراب و دو جوان دیگر را بازداشت کردند. سیاوش به پلیس گفت: از تلفن یکی از دوستانم، شماره زیبا را به دست آوردم و با او تماس گرفتم. اول رابطه‌مان در حد تلفنی بود اما بعد ارتباط ما بیشتر شد و من به این زن علاقه‌مند شدم. اصلا خبر نداشتم او شوهر دارد و دراین‌باره به من حرفی نزده بود تا اینکه یک روز به طور اتفاقی مقابل مدرسه دخترش فهمیدم او شوهر دارد؛ تا آن زمان فکر می‌کردم تنها زندگی می‌کند. تصمیم داشتم او را ترک کنم و برای مدتی هم این کار را کردم اما از آنجایی که مرتب با من تماس می‌گرفت و گریه می‌کرد و از آزارهای شوهرش می‌گفت، دلم سوخت و برگشتم. او می‌گفت شوهرش در سال‌هایی که با هم زندگی کردند، خیلی او را زجر داده است و طلاقش هم نمی‌دهد به‌همین‌دلیل نمی‌تواند او را تحمل کند. متهم گفت: قرار بود ما با هم وارد خانه مقتول شویم و او را کتک بزنیم؛ اصلا قرار نبود کسی را بکشیم. به همین خاطر هم من اول با برادرم تماس گرفتم و به او گفتم می‌خواهم کسی را کتک بزنم. او هم دوستانش را آورد اما در خانه درگیر شدیم و قتل اتفاق افتاد.

متهمان دیگر نیز این گفته‌ها را تأیید کردند

به‌این‌ترتیب کیفرخواست علیه متهمان صادر شد و سیاوش و سهراب به همراه مهدی و مسعود، متهم به مشارکت در قتل شدند. همچنین زیبا متهم به معاونت در قتل و رابطه نامشروع با سیاوش هم شد. به این ترتیب پرونده به شعبه هشتم دادگاه شماره یک کیفری استان تهران فرستاده شد. بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست علیه متهمان را خواند، دختر مقتول به‌عنوان تنها ولی‌دم در جایگاه حاضر شد و برای قاتلان پدرش درخواست قصاص کرد. او گفت از مادرش هم ناراحت است و نمی‌خواهد او را ببیند یا حتی با او صحبت کند و گذشت هم نمی‌کند. سپس عموی این دختر در جایگاه حاضر شد و به‌عنوان قیم برادرزاده‌اش اعلام کرد تفاضل دیه را هم پرداخت می‌کند تا برادرزاده‌اش بتواند قاتلان پدرش را قصاص کند. وقتی نوبت به سیاوش رسید، او اتهام قتل را قبول کرد و گفت هرچند قتل کار او بوده اما کاملا اتفاقی بوده و او نمی‌خواسته است چنین کاری بکند. سپس نوبت به دیگر متهمان رسید و آنها هم از خود دفاع کردند. در پایان جلسه رسیدگی هیأت قضات وارد شور شدند و سیاوش و مسعود، دو متهمی که بزرگسال بودند و مشارکت در قتل داشتند، را به قصاص محکوم کردند. همچنین سهراب و مهدی دو متهم دیگر که کمتر از ۱۸ سال سن داشتند، با توجه به صلاحدید قضات، رسیدگی به اتهام آنها به دادگاه اطفال سپرده شد. زیبا متهم به معاونت در قتل نیز با تصمیم قضات به ۱۵ سال حبس محکوم شد. همچنین سیاوش و زیبا که متهم به رابطه نامشروع هم شده بودند، با توجه به تصمیم دادگاه به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شدند.

اعتراف به سرقت مرگ‌بار

شرق: پرونده دو مرد که متهم هستند فردی را با انگیزه سرقت به قتل رسانده‌اند، روی میز بازپرس جنایی قرار گرفت. زنی میان‌سال چندی‌قبل به پلیس آگاهی استان فارس رفت و از ناپدیدشدن شوهرش به نام محمود ابراز نگرانی کرد. او گفت: «محمود برای انجام کاری از خانه خارج شد. من چند ساعت مرتب به صورت تلفنی با او در تماس بودم اما بعد از چند ساعت، دیگر به تلفنش جواب نداد و از خودش هم خبری نیست؛ به همین دلیل احتمال می‌دهم حادثه‌ای برای وی رخ داده باشد».مأموران اطلاعات مربوط به محمود را ثبت و هم‌زمان با تلاش برای یافتن او، تحقیقات خود را روی کشف خودروی این مرد که سوار بر آن منزل را ترک کرده بود متمرکز کردند اما ردی در این خصوص به دست نیامد و پرونده به حالت راکد باقی ماند. این در حالی بود که گذشت زمان احتمال مرگ محمود را قوت می‌بخشید. سرانجام بعد از چند روز خبر رسید جنازه مردی ناشناس درحالی‌که سرش بریده شده، پیدا شده است. مأموران بعد از حضور در صحنه جرم با توجه به مشخصات ظاهری مقتول، احتمال دادند او محمود باشد؛ به همین دلیل همسر این مرد به پزشکی قانونی فراخوانده شد. زن میان‌سال بعد از رؤیت جسد درحالی‌که به‌شدت شوکه شده بود، هویت او را تأیید کرد. پس از افشای سرنوشت مرد میان‌سال، تحقیقات در این پرونده وارد مرحله‌ای تازه شد. با توجه به اینکه اثری از خودروی مقتول نبود، فرضیه قتل با انگیزه سرقت قوت گرفت. از سویی همسر محمود در بازجویی‌ها گفت شوهرش با فردی خاص اختلاف نداشت و بعید به نظر می‌رسد او قربانی کینه‌جویی شده باشد. مجموع این اطلاعات و سرنخ‌ها پلیس را واداشت تمام توان خود را معطوف به یافتن خودروی قربانی کند؛ این تلاش‌ها بعد از چند ماه نتیجه داد. مشخصات اتومبیل مسروقه به تمامی واحدهای انتظامی اعلام شده بود و یکی از تیم‌های گشت پلیس حین انجام وظیفه این خودرو را مشاهده و ضمن متوقف‌کردن آن، راننده‌اش را نیز بازداشت کرد. مظنون بعد از انتقال به پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت. او ابتدا سعی کرد وانمود کند از مسروقه‌بودن خودرو اطلاعی نداشته است اما تلاش‌های وی برای کتمان واقعیت بی‌فایده بود و او سرانجام مجبور شد اتهام قتل محمود را بپذیرد. این مرد در اعترافاتش گفت: «من و یکی از دوستانم به نام حسن چندی‌قبل با محمود آشنا شدیم و با او مراوده کاری داشتیم تا اینکه پس از مدتی با اطلاع از وضع مالی خوب این مرد، مصمم شدیم از او سرقت کنیم. برای این کار نقشه‌ای کشیدیم و روز حادثه با وی برای انجام کاری قرار گذاشتیم. ما سوار خودروی محمود شدیم و بعد از اینکه به محلی خلوت رسیدیم، با چاقو او را به قتل رساندیم. سپس خودرو و کارت عابربانکش را که ۱۱ میلیون تومان موجودی داشت، سرقت و فرار کردیم. چون ردی از خودمان به جا نگذاشته بودیم، بعید می‌دانستم دستگیر شوم و تصورم این بود که بعد از گذشت مدتی، دیگر کسی دنبال خودروی مسروقه نخواهد بود».مأموران پس از شنیدن اظهارات این مرد دوست او را نیز بازداشت کردند. حسن در بازجویی‌ها اعترافات همدستش را تأیید کرد و پذیرفت در این جنایت نقش داشته است. به‌این‌ترتیب پرونده در اختیار بازپرس جنایی قرار گرفت و درحال‌حاضر تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

رخداد

اهدای عضو بیمار مرگ مغزی یاسوجی در شهرکرد

● هماهنگ‌کننده تیم پیوند اعضای چهارمحال‌وبختیاری از اهدای اعضای یک بیمار مرگ مغزی ۴۰ساله اهل یاسوج و همچنین انجام دو عمل جراحی پیوند کلیه موفق در بیمارستان آیت‌الله کاشانی شهرکرد خبر داد. زهرا سیاح با اعلام این خبر افزود: این بیمار به نام نصیر وصال‌نژاد ۴۰ساله از اهالی یاسوج بود که در پی حادثه تصادف خودرو در جاده دچار عارضه شدید مغزی شد و در بخش ICU بیمارستان آیت‌الله کاشانی شهرکرد تحت مراقبت ویژه قرار گرفت. وی گفت: با تأیید مرگ مغزی بیمار و اعلام رضایت خانواده وی برای اهدای عضو، کلیه‌ها، کبد و بخشی از عروق این بیمار برای پیوند به بیماران نیازمند پیوند عضو جداسازی شد. سیاح افزود: با توجه به فراهم‌شدن امکان انجام هم‌زمان دو عمل جراحی پیوند کلیه در مرکز آموزشی و درمانی آیت‌الله کاشانی، کلیه‌های این بیمار مرگ مغزی در این بیمارستان به دو بیمار نیازمند پیوند کلیه اهدا شد. وی گفت: کلیه‌های این بیمار مرگ مغزی به یک جوان ۲۰ساله بروجنی و یک مرد ۴۰ساله از اهالی لردگان اهدا شد. سیاح تصریح کرد: کبد و بخشی از عروق اهدایی بیمار مرگ مغزی نیز برای پیوند به بیماران در فهرست انتظار پیوند به شیراز منتقل شدند. تاکنون با اعلام رضایت خانواده ۲۵ بیمار مرگ مغزی در چهارمحال‌وبختیاری، اعضای این بیماران برای نجات جان بیماران نیازمند پیوند اهدا شده است. استان چهارمحال‌وبختیاری با توجه به جمعیت در رده‌های اول تا سوم اهدای عضو کشور قرار دارد.

برخورد پژوها ۷ فوتی برجای گذاشت

● برخورد دو دستگاه پژو ۴۰۵ در کیلومتر ۲۵ محور مشهد به آبروان، هفت فوتی بر جای گذاشت. سیدمصطفی مرتضوی، سخنگوی سازمان امداد و نجات ضمن اشاره به حادثه برخورد دو دستگاه پژو ۴۰۵ گفت: این حادثه ساعت ۲۰:۲۵ شنبه در کیلومتر ۲۵ محور مشهد به آبروان (تنگل شور) رخ داد. وی با اشاره به اعزام تیم‌های امدادی برای امدادرسانی به حادثه‌دیدگان گفت: در این تصادف، ۹ نفر حادثه دیدند و هفت نفر نیز جان خود را از دست دادند.

چگونه با معدل ۱۱/۲۳ و رتبه ۱۳۰ هزار دانشجوی دندانپزشکی روزانه سراسری شدم؟

از شکست درس بگیر

آنقدر افتادم، افتادم، افتادم تا جلو افتادم... در هر کاری هر چند سخت و ناممکن برای رسیدن به هدف و مقصد با تلاش و پشتکار فراوان این ناممکن تبدیل به ممکن می‌شود و راه شما آسان. همان‌طوری که قطره‌های لطیف آب فقط با پشتکار حتی سنگ را می‌شکافند. پس باید صبور باشیم و بدانیم که عجله در هر کاری سرانجام خوبی ندارد و راه‌تان را طولانی‌تر می‌کند. من میلاد علی‌نیا دانشجوی دندان‌پزشکی دانشگاه سراسری روزانه هستم که از شکست درس گرفتم و از درد به درک رسیدم.

آمادگی برای کنکور ۹۰

روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۹ بود، که همه برای کنکور آماده می‌شدند. من هم مثل همه تصمیم گرفتم که در کلاس کنکور ثبت نام کنم. به تنها چیزی که فکر می‌کردم قبولی در رشته‌ی دندان‌پزشکی بود.

بعد از گذشت ۷ ماه

امروز ۲۸ اسفند ماه، هنوز نتوانستم درسامو تموم کنم و حتی به ۲۰ درصد برنامم عمل نکرده‌ام. پر از استرس‌ام هر روز که می‌گذره، فشار دروس نخوانده و تنگی وقت رو بیشتر احساس می‌کنم. چطور می‌تونم زمان رو مدیریت کنم تا هم به کلاس‌هام برسم و هم به درسام. چطور میخوام با روزی ۹ ساعت کلاس داشتن به همون اندازه زمان واسه مطالعه داشته باشم؟ چرا هر چه یاد می‌گیرم زود از خاطرم فراموش میشه؟ این‌ها سؤال‌هایی بود که هیچ‌وقت رهایم نمی‌کرد. شرایطم سخت بود. اما باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعه‌ام درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من با استرس زیاد و تجربه‌ی کم و تقریبا بدون آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و همکلاسی‌هام درست بود من با معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچ‌وقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما هیچ‌کدوم از اونا نتونستن وضعیتم رو تغییر بدن. حرف همشون این بود که: میلاد می‌تونی به رشته دیگه هم فکر کنی. همه رشته‌ها خوبن. اما هیچ‌کدوم نمی‌دونستن که من رو هدفم پافشاری می‌کنم. در جوابشون می‌گفتم ۱۲ سال درس خوندم برای یک هدف اون هم دندون‌پزشکی که در نهایت لبخندی جهت تمسخر می‌زدن و ختم جلسه. در تمام طول عمرم هیچ‌وقت شرایطی به دشواری اون زمان نداشتم. در شرایطی که اکثر دوستام به دانشگاه رفتن و من حتی مجاز به انتخاب رشته هم نشدم. رتبه ۱۳۰ هزار منطقه ۲، نهایت فاجعه بود. رتبه‌ای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم می‌کردم.

آشنایی با استاد

گفتم برای آخرین بار در کنکور شرکت کنم اما نتونستم وضعیت روحی‌ام رو تغییر بدم. این وضعیت تا اواخر سال ۹۰ یعنی تا دی ماه ادامه داشت، تا اینکه در یکی از مجلات مقاله‌ای خوندم. کاری که استاد می‌کرد برای غیرقابل باور بود. مگه میشه با تکنیک خاصی استرس، ترس و نگرانی‌هام رو رها کنم؟! بله می‌شد، مقاله از تکنیک برنامه‌ریزی استاد صحبت می‌کرد. من با خواندن آن مقاله سعی کردم بیشتر بدانم و تحقیق کردم. پس از اینکه

اطلاعات کافی رو به دست آوردم با استاد تماس گرفتم و ماجرای کنکورم، شرایط روحی و روانی‌ام رو برای استاد توضیح دادم و اولین تکنیکی که استاد بهم آموزش دادن، تکنیک رفع استرس و اضطراب و آماده‌سازی روحی و روانی بود. مجموعه آلفای ذهنی استاد رو دریافت کردم و پس از آن با برنامه استاد تصمیم گرفتم از اساتیدی استفاده کنم که با استفاده از تکنیک‌های برتری که در اختیار داشتن می‌تونستن راه کنکور رو بسیار ساده کنند. پس کارم رو شروع کردم و استاد به من آموخت که اگر بخوام همه چیز را می‌تونم تغییر بدم یا به قولی (خواستن، توانستن است) و من به آن ایمان پیدا کردم.

استاد واقعاً استاد است:

وقتی به استاد احمدی مراجعه کردم، پس از دقایقی که با من صحبت کرد بعضی از تکنیک‌های آلفای ذهنی (مثل تکنیک پاک کردن خاطرات منفی در چند دقیقه) رو در مورد من اجرا کرد و روحیه‌ام بسیار قوی و عالی شد و هیچ

در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم و با توجه به این‌که دندانپزشکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم

وقت فراموش نمی‌کنم که از آن روز به بعد از لحاظ فکری بسیار پیشرفت کردم که این را مدیون استاد احمدی هستم. در ادامه پس از اینکه از لحاظ روحی آماده شدم خیلی زود بعد از کارشناسی کردن منابع و انتخاب اون‌ها توسط استاد منابع مورد نیازم را تهیه کردم و کارم را شروع کردم. من پشت کنکور بودم و نمی‌خواستم اشتباهی که سال قبل انجام دادم رو دوباره تکرار کنم به همین خاطر دیگه کلاس نرفتم و به پیشنهاد استاد از لوح‌های فشرده تدریس اساتید که به صورت کاملا تکنیکی و راهبردی بود استفاده کردم و هر موقع سوالی داشتم با ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس می‌گرفتم.

نتیجه‌ی غیرقابل باور

با تلاش، پشتکار و علاقه‌ای که داشتم توتسم با لوح‌های فشرده‌ی اساتید و برنامه‌ریزی دقیق و گام به گام ایمیج میکینگ استاد، کمتر از ۲ ماه تغییر بزرگی رو در خودم ببینم. نتیجه‌ای که در آزمون سنجش برایم حاصل شد همه را شوکه کرده بود. من در عرض کمتر از ۲ ماه ترازم حدود ۲۵۰۰ تا پیشرفت کرده بود. بی‌وقفه به حضور استاد رسیدم و استاد با بررسی درصدهایم و همچنین مشاهده دروس ضعیفم سریعاً در همان دروس تکنیک‌ها را مستقیما به من ارائه دادن و من با تلاش و پشتکار خود و پس از بارها استفاده از آن تکنیک‌ها توتسم به خوبی در تست از آن‌ها بهره‌مند شوم. پس از آمادگی و تسلط بر همه‌ی دروس در نهایت برای عملکرد بهتر و سریع‌تر در تست‌ها، استاد با در اختیار گذاشتن لوح‌های فشرده تکنیک‌های تست‌زنی مافوق حرفه‌ای مرا در سه درس که در آزمون‌های آزمایشی بالاترین درصد را داشتم به درصد ۱۰۰ نزدیک کرد. در روز کنکور وقتی برخی از داوطلبان با دیدن سوالات به وحشت می‌افتادند من شادتر و شادتر می‌شدم و بالاخره من به رؤیا و هدفم که دندان‌پزشکی روزانه بود رسیدم و توانستم ۲ درس تخصصی زیست و شیمی را ۹۲ و ۸۹ درصد و دین و زندگی را بالای ۸۷ درصد بزنم و در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم. با توجه به این‌که دندان‌پزشکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم.

استاد احمدی

چگونه می‌خوای با معدل کتبی ۱۱/۲۳ به دندونپزشکی برسی؟! تو که از خیلی‌ها درست ضعیف‌تره وقتی اونا نتونستن مگر اون‌وقت تو می‌تونی؟! شاگرد اول کلاس امیدی نداره اونوقت تو... این‌ها حرف‌هایی بودن که همکلاسی‌هام زمان دبیرستان بهم می‌گفتن، چون همه می‌دونستن که من همیشه حرف از قبولی تو این رشته می‌زنم و همیشه با این حرف‌ها می‌خواستن ناامیدم کنن، اما من توجهی به اونا نکردم.

حالا از خودتون می‌پرسید که چرا سال اول نتونستم؟ در واقع من استاد احمدی را نداشتم.

حرف آخر؛ یک پیشنهاد یا درد و دل دوستانه

همه‌ی شما بدونید که سرگذشت کنکورم (که الآن جزئی از خاطرات خوش زندگیمه) رو برای شما دوست کنکوری یا دبیرستانی‌ام نوشتم تا بدانی که انسان اشرف مخلوقاته و هر وقت که بخوای می‌تونی آینده‌ات را با اندیشه و تلاش تغییر بدی به طوری که مطابق میل خودت باشه و به یاری خداوند به بهترین زندگی برسی. چرا که اگر می‌بینی خداوند هدفی را که در دلت نهاده قطعاً تو رو شایسته‌ی رسیدن به اون هدف دونسته پس سعی کن با تلاش و توکل بر خدا حتماً به هدفت برسی. خداوند در قرآن می‌فرماید: «من یتوکل علی‌الله فهو حسبه» (هر که اتکایش به خدا باشد خدا برای او کافی است) و «ان الله یحب المتوکلین» (خداوند توکل کنندگان را دوست دارد) با یاد و توکل به خدا از زندگی لذت ببر و به دنیا بخند، همین الآن وقتشه، بله بخند تا درهای امید به رویت باز شه، به امید یاری حق.

«هرگز روزت را با تکه‌های شکسته‌ی دیروز آغاز مکن امروز روز دیگریست.»

برای مشاوره و برنامه‌ریزی تحصیلی و ارتباط با استاد حسین احمدی با شماره‌های

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲
۰۹۱۲۱۹۶۵۷۵۱
۰۲۱ – ۶۶۴۰۹۰۹۰
پیامک ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶
تماس بگیرید

چگونه مهدی شیخی با رتبه ۲۷، دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران شد

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted۲۰۰۹ / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی **«کنکور آسان است»** و **«درس خواندن آسان است»** و **«طعم مطالعه» و مدیر مسئول گیلنا**

○ لطفا خودتان را به طور کامل معرفی کنید.

در ۲۶ اسفند ۱۳۷۰ در اراک به دنیا آمدم.

تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان دولتی شکیب در قزوین سپری کردم و تا آن زمان هیچ دانش‌آموزی از این مدرسه نتوانسته بود به مدرسه تیزهوشان راه پیدا کند بنابراین مصمم بر انجام این کار شدم و با تلاش و پشتکار فراوان توانستم در آزمون تیزهوشان موفق شوم و اولین نفری باشم که از مدرسه‌ی شکیب به مدرسه‌ی تیزهوشان راه پیدا می‌کند. دوران راهنمایی نیز با فراز و نشیب‌ها سپری شد تا در دوره‌ی دبیرستان رشته‌ی تجربی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم. با توجه به علاقه‌ای که در درس زیست‌شناسی داشتم. هدف خود را مدال طلای المپیاد زیست‌شناسی قرار دادم. در این راه بسیار تلاش کردم و کتب متعدد زیست‌شناسی از جمله بیوشیمی لینجز، ژنتیک استانسفیلد، گیاهی رست و... را مطالعه کردم. در آزمون المپیاد بسیج جزء ۵۰ نفر برتر کشوری شدم و در المپیاد زیست‌شناسی کشوری اگر چه در مرحله‌ی اول قبول شدم ولی با اختلاف کمی نتوانستم مرحله‌ی دوم را سپری کنم. این اتفاقات در بهار سال سوم دبیرستان رخ داد و اکنون من دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی بودم که ضربه‌ی سنگین روحی به دلیل عدم موفقیت در المپیاد به من وارد شده بود. ولی استاد حسین احمدی همیشه می‌گوید: باید هدف و علاقه‌ی خود را در ذهن‌تان بدانید و هدف من پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود و می‌دانستم که برای رسیدن به این موفقیت نیازمند برنامه‌ی مناسب، تلاش و اراده کافی هستم. پس با یک اراده ی قوی شروع به درس خواندن کردم و همه‌ی ذهن و انگیزه‌ام پزشکی بود.

در این راه با مانع‌هایی ممکن بود روبرو شوم، به عنوان مثال در بهار سال کنکور مادربزرگم دچار سکته مغزی شد و من به عنوان نوه‌ی بزرگ، باید کمک‌هایی به پدرم می‌کردم که از یک طرف ذهن من را به خود مشغول می‌کرد و از طرف دیگر زمان زیادی را از من برای درس خواندن می‌گرفت. ولی من سعی می‌کردم از شرایط، بهترین استفاده را ببرم با وجود این شرایط نیز درس خواندن را ادامه می‌دادم و از کوچکترین زمان‌ها برای خواندن استفاده می‌کردم و موفق شدم در کنکور رتبه ۲۷ را کسب کنم. بسیاری از دانش‌آموزان با خود می‌گویند که افرادی که رتبه‌ی خوبی به دست می‌آورند در شرایط کاملا ایده‌آلی هستند و هیچ مشکلی ندارند در حالیکه واقعا این گونه نیست و باید بچه‌ها این شعار را در ذهن خود پرورش دهند که من از شرایط می‌خواهم بهترین استفاده را ببرم.

پس از نتایج کنکور شروع به تدریسی المپیاد زیست‌شناسی در تیزهوشان و فرزانگان قزوین کردم و ۲ نفر از شاگردانم به نام خانم‌های کولجی و یوسفی موفق به کسب مدال طلای زیست‌شناسی شدند و در حیطه‌ی کنکور نیز فعالیت کردم و به دانش‌آموزان زیادی کمک کردم از جمله: سینا پورسلیمی – خشایار افشاری – مسعود هاشمی – علیرضا تلویری و...

○ از چه منابعی استفاده می‌کردید؟

در پاسخ به این سوال باید بگویم منبع اصلی من کتاب درسی بود و در کنار آن از منابع و جزوات استاد حسین احمدی استفاده می‌کردم. به نظر من درس خواندن هر

درسی نیازمند روش خاصی می‌باشد. به عنوان مثال در مورد درس زیست‌شناسی، که تدریس آن در موسسه استاد حسین احمدی برعهده دارم، باید بچه‌ها ابتدا یک بار روزنامه‌وار فصل را روخوانی کنند و عناوین فصل را یاد بگیرند سپس به سراغ توضیحات هر فصل بروند و با دقت بیشتری مطالعه کنند. اگر نکته‌ای پیدا کردند که برایشان جدید بود گوشه‌ای از کتاب یادداشت کنند (مهارت تکمیل‌نویسی). بعد از این مرحله باید ارتباط بین فصول مختلف کتاب را نیز مورد توجه قرار دهند به عنوان مثال در فصل اول زیست‌شناسی سال سوم دبیرستان در مورد دستگاه ایمنی صحبت می‌شود. گلبول‌های سفید نیز که نقشی اساسی در ایمنی دارند به طور جداگانه در فصل ششم سال دوم دبیرستان توضیح داده شده است بنابراین دانش‌آموزان این دو فصل را باید با هم یاد بگیرند تا مطالب به صورت مفهومی در ذهن‌شان پرورانده شود. بعد از این باید یکسری سوالات چهارگزینه‌ای برای آموزش و یادگیری حل کنند. این خلاصه‌ای از روش‌هایی بود که در مورد زیست‌شناسی استفاده کردم و موفق شدم به درصد ۹۵.۴٪ در آزمون سراسری و ۱۰۰٪ در آزاد نایل شوم و همین‌طور این روش را به طور کامل به دانش‌آموزانم تدریس می‌کنم.

○ نقطه ضعف شما چه بود؟!

مهم‌ترین نقطه ضعفم غرور کاذب بود و همین عامل منجر به ۱۰۰٪ نزدن زیست‌شناسی در کنکور سراسری شد.

و در پایان باید بگویم برادرم نیز با استفاده از لوح‌های فشرده‌ی استاد حسین احمدی و برنامه‌ریزی درسی که از بنده دریافت امسال دانشجوی دکترای دندانپزشکی سراسری روزانه اراک گردید.

فرهاد پیشگر دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
مدال طلای المپیاد زیست‌شناسی و نقره جهانی: دکتر شیخی انسان بسیار موفقی در زندگی می‌باشد که برای اهدافش تمام تلاشش را می‌کند و از هر موقعیتی برای آموزش سایرین استفاده می‌کند.

امیر دهدشتیان – رتبه ۲۴ کنکور سراسری و دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
یکی از مهمترین ویژگی‌های دکتر شیخی، تکاپوی بیش از حد ایشان است. طوری که بعد از کنکور در عرصه‌ی علم پزشکی و تحقیقات یکی از موفق‌ترین دانشجویان بوده است. مقاله‌های مختلف در ژورنال‌های داخلی و خارجی و سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی دانشجویان پزشکی در اتریش و همکاری با پروفسور سمیعی مصداقی از این قضیه است.

خشایار افشاری – رتبه ۴۷ کنکور سراسری و دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران
مهدی شیخی یکی از بهترین اساتید در زندگی من می‌باشد که همیشه در تلاش برای ارائه‌ی ایده‌های نو در تدریس و کمک فراوان به دانش‌آموزان خود بوده است. در راه تدریس به دانش‌آموزان خود از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند و پیشرفت آنها همیشه او را شاد می‌کند.

ارتباط با شیخی ۰۹۱۲۱۹۶۵۸۰۲ و ۰۲۱-۶۶ ۴۰ ۹۰ ۰۷
ارتباط با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲ – پیامک ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶